

M.A.LIBRARY, A.M.U.



PE6317

قول و استهلال اوله کونک که کوفت و دادست
 بیکده اشریت و نوبت بعلال اهل بیت
 قالی غنچه کونک که ایداد اثنی عشرت
 آن چنانکه در حق نوی آید ۱۱
 راجع بطرف افسر محمود و سحر و دود
 در حق بهمن است ۱۲

و قلم اگر در صورت اجتماع ششین اولی
 یک سیکته و چهار خیل نیست ثانی است
 بلکه نقل سبب همزه ثانی پیدا شده و اول
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 است در صورت اجتماع ششین اولی
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب

تخفیف چون رأس و ذی و مقبوه و خطیه و اقیس
 اگر دو همزه در یک کلمه بهم آیند و همزه دوم ساکن باشد واجبست
 ابدال همزه دوم بحرف علقی که مناسب حرکت همزه اول باشد
 برای تخفیف چون آمن و اومن و ایمنا و اگر همزه دوم متحرک
 باشد واجب بود ابدال او بیا اگر ماقبل همزه مکسور یا همزه خود
 مکسور باشد و بود در عید این چون عجار و ایتمه و اوادم و حکم
 همزه مقسوح و رباب ابدال حکم همزه ساکن است اگر ماقبل همزه
 مکسور یا مضوم باشد چون مسد و حون و اوئل و هر همزه که متحرک
 باشد و ماقبل او ساکن روا باشد که حرکت همزه نقل کنند و ماقبل
 او دهند اگر سکون ماقبل همزه لازم نباشد و همزه را حذف کنند
 برای تخفیف چون لیث و یرعی خاؤه و یرعی و یری و اخوات ایشا
 و در کل و حذف واجبست بر خلاف قیاس و در مر جائزست
 بر خلاف قیاس و در اگر هم که در اصل اگر کم بوده است همزه دوم

و قلم اگر در صورت اجتماع ششین اولی
 یک سیکته و چهار خیل نیست ثانی است
 بلکه نقل سبب همزه ثانی پیدا شده و اول
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 است در صورت اجتماع ششین اولی
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب

و قلم اگر در صورت اجتماع ششین اولی
 یک سیکته و چهار خیل نیست ثانی است
 بلکه نقل سبب همزه ثانی پیدا شده و اول
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 است در صورت اجتماع ششین اولی
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب

و قلم اگر در صورت اجتماع ششین اولی
 یک سیکته و چهار خیل نیست ثانی است
 بلکه نقل سبب همزه ثانی پیدا شده و اول
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 است در صورت اجتماع ششین اولی
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب

و قلم اگر در صورت اجتماع ششین اولی
 یک سیکته و چهار خیل نیست ثانی است
 بلکه نقل سبب همزه ثانی پیدا شده و اول
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 است در صورت اجتماع ششین اولی
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب
 سبب اول است زیرا که اول سبب
 تخفیف اول است زیرا که اول سبب

۱۰۰
 ۱۰۱
 ۱۰۲
 ۱۰۳
 ۱۰۴
 ۱۰۵
 ۱۰۶
 ۱۰۷
 ۱۰۸
 ۱۰۹
 ۱۱۰
 ۱۱۱
 ۱۱۲
 ۱۱۳
 ۱۱۴
 ۱۱۵
 ۱۱۶
 ۱۱۷
 ۱۱۸
 ۱۱۹
 ۱۲۰
 ۱۲۱
 ۱۲۲
 ۱۲۳
 ۱۲۴
 ۱۲۵
 ۱۲۶
 ۱۲۷
 ۱۲۸
 ۱۲۹
 ۱۳۰
 ۱۳۱
 ۱۳۲
 ۱۳۳
 ۱۳۴
 ۱۳۵
 ۱۳۶
 ۱۳۷
 ۱۳۸
 ۱۳۹
 ۱۴۰
 ۱۴۱
 ۱۴۲
 ۱۴۳
 ۱۴۴
 ۱۴۵
 ۱۴۶
 ۱۴۷
 ۱۴۸
 ۱۴۹
 ۱۵۰
 ۱۵۱
 ۱۵۲
 ۱۵۳
 ۱۵۴
 ۱۵۵
 ۱۵۶
 ۱۵۷
 ۱۵۸
 ۱۵۹
 ۱۶۰
 ۱۶۱
 ۱۶۲
 ۱۶۳
 ۱۶۴
 ۱۶۵
 ۱۶۶
 ۱۶۷
 ۱۶۸
 ۱۶۹
 ۱۷۰
 ۱۷۱
 ۱۷۲
 ۱۷۳
 ۱۷۴
 ۱۷۵
 ۱۷۶
 ۱۷۷
 ۱۷۸
 ۱۷۹
 ۱۸۰
 ۱۸۱
 ۱۸۲
 ۱۸۳
 ۱۸۴
 ۱۸۵
 ۱۸۶
 ۱۸۷
 ۱۸۸
 ۱۸۹
 ۱۹۰
 ۱۹۱
 ۱۹۲
 ۱۹۳
 ۱۹۴
 ۱۹۵
 ۱۹۶
 ۱۹۷
 ۱۹۸
 ۱۹۹
 ۲۰۰
 ۲۰۱
 ۲۰۲
 ۲۰۳
 ۲۰۴
 ۲۰۵
 ۲۰۶
 ۲۰۷
 ۲۰۸
 ۲۰۹
 ۲۱۰
 ۲۱۱
 ۲۱۲
 ۲۱۳
 ۲۱۴
 ۲۱۵
 ۲۱۶
 ۲۱۷
 ۲۱۸
 ۲۱۹
 ۲۲۰
 ۲۲۱
 ۲۲۲
 ۲۲۳
 ۲۲۴
 ۲۲۵
 ۲۲۶
 ۲۲۷
 ۲۲۸
 ۲۲۹
 ۲۳۰
 ۲۳۱
 ۲۳۲
 ۲۳۳
 ۲۳۴
 ۲۳۵
 ۲۳۶
 ۲۳۷
 ۲۳۸
 ۲۳۹
 ۲۴۰
 ۲۴۱
 ۲۴۲
 ۲۴۳
 ۲۴۴
 ۲۴۵
 ۲۴۶
 ۲۴۷
 ۲۴۸
 ۲۴۹
 ۲۵۰
 ۲۵۱
 ۲۵۲
 ۲۵۳
 ۲۵۴
 ۲۵۵
 ۲۵۶
 ۲۵۷
 ۲۵۸
 ۲۵۹
 ۲۶۰
 ۲۶۱
 ۲۶۲
 ۲۶۳
 ۲۶۴
 ۲۶۵
 ۲۶۶
 ۲۶۷
 ۲۶۸
 ۲۶۹
 ۲۷۰
 ۲۷۱
 ۲۷۲
 ۲۷۳
 ۲۷۴
 ۲۷۵
 ۲۷۶
 ۲۷۷
 ۲۷۸
 ۲۷۹
 ۲۸۰
 ۲۸۱
 ۲۸۲
 ۲۸۳
 ۲۸۴
 ۲۸۵
 ۲۸۶
 ۲۸۷
 ۲۸۸
 ۲۸۹
 ۲۹۰
 ۲۹۱
 ۲۹۲
 ۲۹۳
 ۲۹۴
 ۲۹۵
 ۲۹۶
 ۲۹۷
 ۲۹۸
 ۲۹۹
 ۳۰۰
 ۳۰۱
 ۳۰۲
 ۳۰۳
 ۳۰۴
 ۳۰۵
 ۳۰۶
 ۳۰۷
 ۳۰۸
 ۳۰۹
 ۳۱۰
 ۳۱۱
 ۳۱۲
 ۳۱۳
 ۳۱۴
 ۳۱۵
 ۳۱۶
 ۳۱۷
 ۳۱۸
 ۳۱۹
 ۳۲۰
 ۳۲۱
 ۳۲۲
 ۳۲۳
 ۳۲۴
 ۳۲۵
 ۳۲۶
 ۳۲۷
 ۳۲۸
 ۳۲۹
 ۳۳۰
 ۳۳۱
 ۳۳۲
 ۳۳۳
 ۳۳۴
 ۳۳۵
 ۳۳۶
 ۳۳۷
 ۳۳۸
 ۳۳۹
 ۳۴۰
 ۳۴۱
 ۳۴۲
 ۳۴۳
 ۳۴۴
 ۳۴۵
 ۳۴۶
 ۳۴۷
 ۳۴۸
 ۳۴۹
 ۳۵۰
 ۳۵۱
 ۳۵۲
 ۳۵۳
 ۳۵۴
 ۳۵۵
 ۳۵۶
 ۳۵۷
 ۳۵۸
 ۳۵۹
 ۳۶۰
 ۳۶۱
 ۳۶۲
 ۳۶۳
 ۳۶۴
 ۳۶۵
 ۳۶۶
 ۳۶۷
 ۳۶۸
 ۳۶۹
 ۳۷۰
 ۳۷۱
 ۳۷۲
 ۳۷۳
 ۳۷۴
 ۳۷۵
 ۳۷۶
 ۳۷۷
 ۳۷۸
 ۳۷۹
 ۳۸۰
 ۳۸۱
 ۳۸۲
 ۳۸۳
 ۳۸۴
 ۳۸۵
 ۳۸۶
 ۳۸۷
 ۳۸۸
 ۳۸۹
 ۳۹۰
 ۳۹۱
 ۳۹۲
 ۳۹۳
 ۳۹۴
 ۳۹۵
 ۳۹۶
 ۳۹۷
 ۳۹۸
 ۳۹۹
 ۴۰۰
 ۴۰۱
 ۴۰۲
 ۴۰۳
 ۴۰۴
 ۴۰۵
 ۴۰۶
 ۴۰۷
 ۴۰۸
 ۴۰۹
 ۴۱۰
 ۴۱۱
 ۴۱۲
 ۴۱۳
 ۴۱۴
 ۴۱۵
 ۴۱۶
 ۴۱۷
 ۴۱۸
 ۴۱۹
 ۴۲۰
 ۴۲۱
 ۴۲۲
 ۴۲۳
 ۴۲۴
 ۴۲۵
 ۴۲۶
 ۴۲۷
 ۴۲۸
 ۴۲۹
 ۴۳۰
 ۴۳۱
 ۴۳۲
 ۴۳۳
 ۴۳۴
 ۴۳۵
 ۴۳۶
 ۴۳۷
 ۴۳۸
 ۴۳۹
 ۴۴۰
 ۴۴۱
 ۴۴۲
 ۴۴۳
 ۴۴۴
 ۴۴۵
 ۴۴۶
 ۴۴۷
 ۴۴۸
 ۴۴۹
 ۴۵۰
 ۴۵۱
 ۴۵۲
 ۴۵۳
 ۴۵۴
 ۴۵۵
 ۴۵۶
 ۴۵۷
 ۴۵۸
 ۴۵۹
 ۴۶۰
 ۴۶۱
 ۴۶۲
 ۴۶۳
 ۴۶۴
 ۴۶۵
 ۴۶۶
 ۴۶۷
 ۴۶۸
 ۴۶۹
 ۴۷۰
 ۴۷۱

حواشی زبده متعلق صفحه هفتاد و هشتم

[illegible][illegible]

از احوال منتهی حاجت منتهی
نزد اکثر اندام است الا بعضی نظیر
گفته اند جدت خبره او که در قاعده
گاه در اصل سیال میرسد و تبدیل
یافتند که نه منفرد متقی و تبدیل
بسیکون غیر از هم حرکت نموده
و از منتهی حاجت منتهی
شروع نموده و در هر سال یکبار
سوال مقدس تقدیر سوال کنند
در اصل این بیفتج ایامی باشد
که ایامی باشد که در هر سال

[illegible]

اینک در آن که در آن
 بود و آنکه در آن
 می شود و آنکه در آن
 جواب داد که در آن
 غلامت می باشد
 اسرار الدین
 که در آن

و از قند سران آنرا انداختن
 که در قند یا در سر آن کوفته یا در سر آن
 آنرا در سر آن کوفته یا در سر آن
 او را در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن

و از قند سران آنرا انداختن
 که در قند یا در سر آن کوفته یا در سر آن
 آنرا در سر آن کوفته یا در سر آن
 او را در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن

حذف کرده شد بر خلاف قیاس برای تخفیف و اخوات او را چون
 مکرم و مانند او حمل کرده شد بر اکرم **اصول معتل**
 ساکن که میان یا و کسره تحقیق القدری افتد و حرکت یا میخافت
 باشد آن و او بیفتد چون یعد و یبیب که در اصل یو یعد و یو یبیب
 بوده است بعده در یبیب با تعبیر حذف حلقی برافتنه و اخوات
 و حرف حلقی برای فتحه علت مجوزه است نه یو یبیب فتحه و یعد
 لازم نیاید و واواز اخوات او چون لعد و لعد و لعد و لعد و لعد و لعد
 او چون عده که در اصل و عده بوده است و او حذف کرده شد برای
 تخفیف بعده عین را کسره داند و عوض و او تا در آخر آورند عده
 شد هر و او یک ساکن غیر مدغم باشد و قبل او مکسور آن و او
 یا گرد و بر است تخفیف چون چندان که در اصل مؤزان بوده است
 و در او عده و او را حذف کردند از جهت موافقت باب زیرا که
 در حذف تخفیف زیاده است از قلب و او بسا

باشد انشعاب
 و از قند سران آنرا انداختن
 که در قند یا در سر آن کوفته یا در سر آن
 آنرا در سر آن کوفته یا در سر آن
 او را در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن

که در قند یا در سر آن کوفته یا در سر آن
 آنرا در سر آن کوفته یا در سر آن
 او را در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن

که در قند یا در سر آن کوفته یا در سر آن
 آنرا در سر آن کوفته یا در سر آن
 او را در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن

که در قند یا در سر آن کوفته یا در سر آن
 آنرا در سر آن کوفته یا در سر آن
 او را در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن
 به آنجا که در سر آن کوفته یا در سر آن

مجلس
بایست چون است که در اصل این
بوده است با اسم چون و جوهر
در دو کلمه چون توپ و دود
که در اصل توپ و دود است
و این اول و سطر است
عقلمانی است بیانش خاد
نظام دارد و صفی و نور
از آن پس از او و او را
و جابر

[illegible]

در این کتاب که در صورت حال ایجاب شده
و در این کتاب که در صورت حال ایجاب شده
و در این کتاب که در صورت حال ایجاب شده

اگر با قبل ساکن باشد بسکون غیر لازم پس ادغام کنند مگر در مثل
 متزلزل و متساوی چون مدید و جعدت و کبشت که در اصل عیدت
 و کبشت بوده است هر جا که حرکت حرف دوم واجبست ادغام هم
 واجبست چون در و هر جا که حرکت حرف دوم جائزست ادغام نیز
 جائزست چون لم یزد و هر جا که حرکت حرف دوم منعست ادغام
 نیز منعست چون مدون و در دو کلمه حرف صحیح اگر با قبل اول
 ساکن باشد چنانچه قرم مالک و یا دو همزه باشد چون قد جاء و اشهر
 یا اول همزه باشد چنانچه فی یوم و یا اول می سکت باشد چنانچه ملیه
 ملک یا اول مدغم فیه باشد چنانچه رب بکر پس ادغام متسنع بود
 در بعضی از کلمات مضاعف قلب آمده است چون تقضی الباز
 و در بعضی حذف آمده است چون غلبت و مست بر خلاف قیاس
 هر جا که دو تاء اول کلمه جمع شوند و با باشد که یکی را حذف کنند برای
 چون تنزل و تناهی

اگر با قبل ساکن باشد بسکون غیر لازم پس ادغام کنند مگر در مثل
 متزلزل و متساوی چون مدید و جعدت و کبشت که در اصل عیدت
 و کبشت بوده است هر جا که حرکت حرف دوم واجبست ادغام هم
 واجبست چون در و هر جا که حرکت حرف دوم جائزست ادغام نیز
 جائزست چون لم یزد و هر جا که حرکت حرف دوم منعست ادغام
 نیز منعست چون مدون و در دو کلمه حرف صحیح اگر با قبل اول
 ساکن باشد چنانچه قرم مالک و یا دو همزه باشد چون قد جاء و اشهر
 یا اول همزه باشد چنانچه فی یوم و یا اول می سکت باشد چنانچه ملیه
 ملک یا اول مدغم فیه باشد چنانچه رب بکر پس ادغام متسنع بود
 در بعضی از کلمات مضاعف قلب آمده است چون تقضی الباز
 و در بعضی حذف آمده است چون غلبت و مست بر خلاف قیاس
 هر جا که دو تاء اول کلمه جمع شوند و با باشد که یکی را حذف کنند برای
 چون تنزل و تناهی

الحمد لله که نسخ زنده در راه انوار برشته عیسوی مطابق ماه رمضان المبارک که
 در مطبع نشی نول کشور با ختام رسیده لائق پسند و قدر خان گردید

در بعضی از کلمات مضاعف قلب آمده است چون تقضی الباز
 و در بعضی حذف آمده است چون غلبت و مست بر خلاف قیاس
 هر جا که دو تاء اول کلمه جمع شوند و با باشد که یکی را حذف کنند برای
 چون تنزل و تناهی

حکایت نفس شکست نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 صیغه وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *

بهرت خالک نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *

بهرت خالک نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *

بهرت خالک نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *
 سبیل وادعوت حالت خاضه وایستاد نعل خضای سحر اولی ان حضرت برده بجز بقاعده قد اطلع افتاد امام شد * * * * *

[illegible]

[illegible]

[illegible]

کتاب لغت اردو و فارسی و عربی

تفہیم اللغات - مصنف حکیم فارسی علی صاحب دیوان اردو و عربی
 الفاظ کو بطور مرتب تصنیف کیا ہے۔
 لغات المتعبدی - تصنیف تمولوی بیف ہونڈ صاحب علیہ السلام
 مختص اللغات - مشہور کتاب لغت کی ہے۔
 شغف اللغات - مطبوعہ سرسید دو سولہ دین
 لغات اللغات - مع چراغ دلائل معطلات فان آرزو۔
 دریم اللغات - تصنیف مولوی فریح الدین صاحب پٹی و لکچر
 تعلیم فارسی لغات نرو وجہ فارسی و عربی ہیں۔
 انصاف العیسان - ابو الفتح فرہار کی تصنیفات میں ہے۔
 ہرمان تا ملع - لغت اور محاورہ و اصطلاحات فارسی میں مستند
 مفاد لغات دیسی مندی کے لغات کی تحقیقات و تشریح زبان
 عربی و فارسی کے لغات میں الفاظ و الاستعارہ جو مصنف اسکو
 مولوی ابو خالد الدین بلگرامی۔
 شریک ہا نگری - لغت کی کتاب مشہور و جدید

مذہب اسلام فارسی و عربی

در این منظوم سائل فقیرین ہے۔
 تذکرۃ العباد - قاضی شاد اللہ بالی پوری کی تصنیف بیان حادیں
 ناجی - مشہور کتاب سائل فقیر کے
 فقیر اقلندری - سنی تحریر الانور سلسلہ قلندر ہے کہ ان کے
 دراج العیوب - تصنیف شاد عبدالحی دہلوی مشہور کتاب ہے
 غیبی الکلام - مولوی حیدر علی امین آبادی مناظرہ مذہب
 مشہور ہے۔
 سلاک المتقین - منظوم علامہ ولایت نے اس میں سائل خفیہ
 فقیر کے صوبہ سندھ کے ہیں
 فتوح الحرمین - منظوم فارسی میں نقوشات از کلام حضرت عبداللہ علیہ السلام
 فقیر شامان سے تذکرۃ الخافران اردو اصطلاحات و رسائل فقیر مولانا سید



4

اندری به کتاب شرح بابایه فیضین علیها و حسنیه و در بیان فیض و حسنیه

عبد المصطفى بن علي بن أبي طالب - رحمه الله -

[illegible]

ابا محمد محمود بن احمد البیہقی ہے اس کتاب کا ساری نسخہ مستطیل
صرف ایک نسخہ ہی پورنقا اور پورا نسخہ اس کتاب کا

کتابخانه ای که در این کتابخانه است - باین کتابخانه است

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطيبين الطاهرين أجمعين

از کتاب فتوح سفین فی تہذیب السیاق
از ابوالحسن عسکری - در مسائل تصوف فارسی -

دانش متعلق به حاشیه طبری و حاشیه شیخ الاسلام حاشیه
بیا یک مجموع و غرض از اصول فقهین است و این را در حاشیه

کتاب طب زبان فارسی

مطابق المراسن فی غیرہ
اس اعتبار سے کہ غریب و محتاج محمدی راوی تیار کیا گیا ہے۔

سلطان جهانگیر بن شاه غازی بنکتاب خالص در لغت آسان

عین مستند یادگار ہے۔
طبیب یوسفی۔ مشتمل بر رسالہ اجابت رسالہ شفیق رسالہ تقاریر و دیوانہ

شہ ضروری۔ تعلقات پوشی۔ رسالہ ماکوں و شہرب۔
دو مقام صحت بدن۔ رسالہ بحران۔ شہ و کتاب ہے۔

از او غریب - قصیده حکیم خاں لعل خان بابا حکیم محمد علی
دہلوی مسافرین کے لئے تالیف کیا گیا ہے جو کہ ضروری ہے

مختصر الادويه مع تحفة المومنين فارسي - طب بين مشهورگان

قرا اورین قادری فارسی - تصنیف حکیم محمد اکبر اور الی سندھ
طیب اکبر و میران الطب وغیرہ سے مشہور کتاب ہے۔

علاج الامراض - یہ کتاب فن طب میں نایاب سے نایاب ہے

بجمل عبارت لایق تقدیر و تکریم است۔
 انشاء اللہ سرور۔ تصدیق و تکریم از قلم صاحب مرآت آبادی

بہج الخداوت - علم طب کی کتاب -

[illegible]

[Illegible handwritten signature]

جرب

DUE DATE

١٩٢٥

١٩٢٥

١٢٣٤		٥٦٧٨	
١٢٣٤		٥٦٧٨	٩١٢٣
٥٦٧٨			
Date	No.	Date	No.